

■ عبدالرضا اکبری با طرح این پرسش که چرا سریال‌های قدیمی همچنان در یاد و خاطره مردم ماندگار است و جذابیت دارد، گفت: این موضوع به این خاطر است که آن دوران تمام ذهن و فکر بازیگر، بازیگری و هنرمندی بود و فیلمنامه‌ها یا دقت نوشته می‌شد. ناگفته نماند سریال «پهلوان نمی‌میرند» بدون شعارزدگی و ادا و اطوار روشنفکری خیلی ساده و صمیمی، فرهنگ جوانمردی را میان مردم ترویج می‌کرد و مطمئناً همان موقع تأثیرات عمیق خود را بر مخاطبان گذاشت

پرونده «وطن امروز» درباره آثار نمایشی با محور جوانمردی و پهلوانی

فیلمنامه جوانمردی

احسان سالمی: «تو که پهلوان بازی می‌دونی پهلوان کیسه؟ پهلوان برای یتیم، پدره. برای وامونده، عصاست. برای دردمند، دسته. برای مظلوم، حقه. برای ظالم، مرگه. برای هر چی نامردیه ترسه... پهلوان اونیه که سینه‌اش سنگ رو بشکافه و دلش مثل یک شیشه با یه تکه ترک برداره. همه رو شتیدی، حالا پهلوانی که عاشق نباشه، پهلوان نیست، خره...» این متن کوتاه که بخشی از نمایش «معرکه در معرکه» نوشته سید داوود میرباقری است و با همه اختصارش به اندازه یک کتاب مفهوم و معنا منتقل می‌کند، شاید مقدمه مناسبی برای این پرونده باشد؛ مقدمه‌ای برای صحبت پیرامون نمایش پهلوانی و مردانگی در آثار نمایشی. از سریال‌ها گرفته تا فیلم‌های سینمایی که متأسفانه تعدادشان زیاد نیست. نکته قابل تأمل آنکه اتفاقاً آثاری که واجد مولفه‌های مردانگی یا شخصیت‌های پهلوان مسلک بودند، ماندگار تر و پرمخاطب‌تر هم بودند اما در آثار متأخر حتی از منظر مخاطب نیز به این مسأله توجه نمی‌شود. در این گزارش بر برخی نقش‌ها، شخصیت‌ها و تیپ‌هایی که سلوک پهلوانی یا لوطی منشانه داشته‌اند، پرداخته‌ایم.

۱۰ مرد ماندگار سینما و تلویزیون

تاریخ هنرهای نمایشی بیش از آنکه تصور کنیم شاهد نقش آفرینی مردانی بوده که سعی کردند نقش‌های‌شان را به بهترین شکل ماندگار کنند اما بعضی وقت‌ها این نقش‌ها هستند که پتانسیل ماندگار شدن را ندارند و گاهی نیز توانایی بازیگران برای ماندگار کردن نقش‌ها کمتر از آن است که بتوانند نقشی را در حافظه مخاطبان ماندگار کنند. آنچه در ادامه می‌خوانید مروری بر شماری از مردان ماندگار سینما و تلویزیون بعد از انقلاب است؛ چهره‌هایی که نه تنها خودشان در نقشی که داشتند خوش درخشیدند بلکه خود تاریخ هنرهای نمایشی بیش از آنکه تصور کنیم شاهد نقش آفرینی مردانی بوده که سعی کردند نقش‌های‌شان را به بهترین شکل ماندگار کنند اما بعضی وقت‌ها این نقش‌ها هستند که پتانسیل ماندگار شدن را ندارند و گاهی نیز توانایی بازیگران برای ماندگار کردن نقش‌ها کمتر از آن است که بتوانند نقشی را در حافظه مخاطبان ماندگار کنند. آنچه در ادامه می‌خوانید مروری بر شماری از مردان ماندگار سینما و تلویزیون بعد از انقلاب است؛ چهره‌هایی که نه تنها خودشان در نقشی که داشتند خوش درخشیدند بلکه خود

آن آثار نیز در جذب مخاطبان موفق ظاهر شدند. مردانی که کنش‌شان تصویری جذاب و منحصر به فرد از مردانگی به مخاطب ارائه کرد؛ مثلاً مظلومیت شخصیت «ستایش» در سریال «ستایش» زمانی برای مخاطب بهتر قابل درک است که مردی گردن کلفت که از حرف خود کوتاه نمی‌آمد در برابر او ظاهر می‌شود یا در «آژانس شیشه‌های» با شخصیتی روبه‌رو می‌شویم که همه زندگی‌اش را پای رفاقت و نجات جان رفیقش می‌گذارد و تیلوری از یک مرد واقعی را بر پرده سینما به نمایش می‌گذارد.



حاج کاظم / آژانس شیشه‌های

اگر بگویند اسطوره رفاقت و همراهی در تاریخ نقش‌های ایفا شده در سینمای ایران کیست، بدون شک «حاج کاظم» آژانس شیشه‌های یکی از چند انتخاب اصلی برای پاسخ به این سوال است؛ رزمنده‌ای که زمانی در قامت فرمانده برای نیروهایش که همه دوستانش نیز بودند، از جان و دل مایه می‌گذاشت و روزی دیگر نیز در قامت یک دوست همه دار و ندارش را با خوبی در خاطر داریم که حاج کاظم روی پرده سینماها با همه مردهایی که بغضی در گلو داشتند، چه کرد.



ما خوب در خاطر داریم که حاج کاظم روی پرده سینماها با همه مردهایی که بغضی در گلو داشتند، چه کرد.

حیدر خوش مرام / شب دهم



لوطی‌ها با آن شمایل منحصر به فرد کت و شلوار پوش، کلاه به سر، سیبل‌هایی که از پناگوش دررفته و موهایی که عموماً فراسه؛ تبدیل به یکی از تپیکال‌ترین شخصیت‌ها در ذهن ما ایرانیان شده‌اند. هر چند که سینما و تلویزیون ما بارها سراغ نمایش این چهره‌ها رفته است اما بدون شک سریال «شب دهم» حسن فتحی و کاراکتر «حیدر خوش‌مرام» و «یاور» او بهترین نمونه‌ها از این شخصیت‌ها هستند. لوطی‌هایی که حرف‌شان، حرف بود. مردانی که شاید رفتارهایی جاهل منشانه داشتند اما خانواده و ناموس پرستی بزرگ‌ترین نشانه آنها بود. حیدر از مسیر عشق زمینی به حقیقت عشق سیدالشهدا (رسیده حقیقتی که با مفهوم ایثار و مردانگی گره خورده است؛ مسیری که در نهایت به شهادت او در راه برپا کردن مجلس روضه و اشک بر سرور و سالار شهیدان منتهی شد. حیدر و یاور ۲ لوطی با معرفت «شب دهم» با بازی حسین یاری و پرویز فلاحتی‌پور مهم‌ترین نمونه‌ها از این شخصیت‌ها در اذهان مخاطبان هستند.

پهلوان جواد و پهلوان نصرت / پهلوان نمی‌میرند

«پهلوان نمی‌میرند» نمونه عالی اثری با حس و حال مردانه بود؛ این سریال تصویری نمادین از تهران در دوره قاجار را نشان می‌داد که در آن پهلوان جایگاه ویژه‌ای نزد مردم دارند و البته جایگاه پهلوان اولی از احترام ویژه‌ای برخوردار است. گروهی از پهلوانان با ناجوانمردی و کینه کسی که خود را پهلوان می‌نامد، یکی پس از دیگری کشته می‌شوند و در این میان، پهلوانی است که باید برای پیدا کردن راز این قتل‌ها همچون کارآگاهی به دنبال نشانه‌های



موجود بود. کنش مردانه و همراه با روحیه پهلوانی ۲ قهرمان اصلی یعنی پهلوان جواد با بازی حمید مظفری و پهلوان نصرت با بازی عبدالرضا اکبری تصویری جوادان از پهلوانان در ذهن مخاطبان این اثر تلویزیونی به ثبت رساند. نقش آفرینی مرحوم استاد جمشید مشایخی در نقش پهلوان خلیل که پهلوان اول شهر بود هم از جمله عوامل موثر در ماندگار شدن این سریال و البته شخصیت‌های جذاب آن برای مخاطبان بود.

حسن ایرانی / در چشم باد

حسن ایرانی که از یاران میرزا کوچک‌خان جنگلی است، پس از شهادت میرزا، به همراه خانواده‌اش به تهران مهاجرت می‌کند و با راه‌اندازی یک چاپخانه به کار و زندگی در تهران می‌پردازد؛ پدری که زمانی در میدان نبرد و زمانی دیگر در میدان کسب روزی و دفاع از حریم خانواده‌اش، مردانگی خود را به نمایش می‌گذارد. «حسن ایرانی» قطعا جزو ماندگارترین پدرهای ایرانی در حافظه مخاطبان تلویزیون است.

«در چشم باد» یک مجموعه تلویزیونی تاریخی - حماسی بود که روایتی از ۳ دوره زمانی تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. خانواده «ایرانی» که سوره اصلی روایت قصه سریال است، پدری به نام «حسن ایرانی» که نقش او را سعید نیک‌پور بازی می‌کند. نیک‌پور اساساً متخصص نقش آفرینی در قامت پدرانی با جذبه اما مهربان است. کما اینکه در برخی دیگر از نقش‌های تلویزیونی خود نیز این گزاره را عنایت بخشیده است.

مردابیک / روزی روزگاری

مردابیک یکی از بهترین نمونه‌ها از این شخصیت‌ها هستند. لوطی‌هایی که حرف‌شان، حرف بود. مردانی که شاید رفتارهایی جاهل منشانه داشتند اما خانواده و ناموس پرستی بزرگ‌ترین نشانه آنها بود. حیدر از مسیر عشق زمینی به حقیقت عشق سیدالشهدا (رسیده حقیقتی که با مفهوم ایثار و مردانگی گره خورده است؛ مسیری که در نهایت به شهادت او در راه برپا کردن مجلس روضه و اشک بر سرور و سالار شهیدان منتهی شد. حیدر و یاور ۲ لوطی با معرفت «شب دهم» با بازی حسین یاری و پرویز فلاحتی‌پور مهم‌ترین نمونه‌ها از این شخصیت‌ها در اذهان مخاطبان هستند.



مردابیک یکی از بهترین نمونه‌ها از این شخصیت‌ها هستند. لوطی‌هایی که حرف‌شان، حرف بود. مردانی که شاید رفتارهایی جاهل منشانه داشتند اما خانواده و ناموس پرستی بزرگ‌ترین نشانه آنها بود. حیدر از مسیر عشق زمینی به حقیقت عشق سیدالشهدا (رسیده حقیقتی که با مفهوم ایثار و مردانگی گره خورده است؛ مسیری که در نهایت به شهادت او در راه برپا کردن مجلس روضه و اشک بر سرور و سالار شهیدان منتهی شد. حیدر و یاور ۲ لوطی با معرفت «شب دهم» با بازی حسین یاری و پرویز فلاحتی‌پور مهم‌ترین نمونه‌ها از این شخصیت‌ها در اذهان مخاطبان هستند.

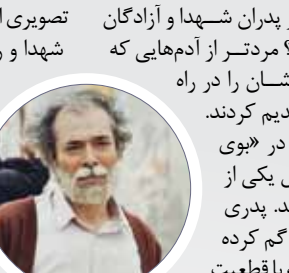
رحمت بخشی / خروج

فرامرزی قریب‌ان یعنی خود خود مردانگی و لوطی‌گری. قریب‌ان از نسل بازیگرانی است که «مردانگی» و ویژگی اصلی نقش‌هایی بوده که ایفا کرده‌اند. او از سال‌های ابتدایی انقلاب تا همین آخرین اثرش یعنی «خروج»، نشان داده استاد بازی در نقش مردانی آرام و تودار اما جدی و باصلابت است. «رحمت بخشی» آخرین نقش از همین

فرامرزی قریب‌ان یعنی خود خود مردانگی و لوطی‌گری. قریب‌ان از نسل بازیگرانی است که «مردانگی» و ویژگی اصلی نقش‌هایی بوده که ایفا کرده‌اند. او از سال‌های ابتدایی انقلاب تا همین آخرین اثرش یعنی «خروج»، نشان داده استاد بازی در نقش مردانی آرام و تودار اما جدی و باصلابت است. «رحمت بخشی» آخرین نقش از همین

دایه غفور / بوی پیراهن یوسف

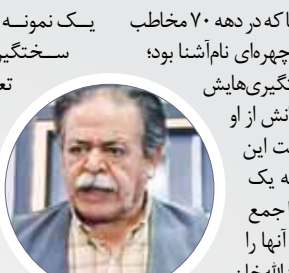
اصلاً مگر مردتر از پدران شهیدا و آزادگان دفاع مقدس داریم؟ مردتر از آدم‌هایی که عزیزترین‌های زندگی‌شان را در راه دفاع از اسلام و ایران تقدیم کردند. استاد علی نصیریان در «بوی پیراهن یوسف» نقش یکی از مردان مرد را ایفا می‌کند. پدری که یوسفش را در جبهه گم کرده و حالا با وجود اینکه همه با قطعیت در شهادت یوسف می‌گویند، او اما باور دارد یوسفش هنوز در قید حیات است. ابراهیم حاتم‌کیا در این اثر سینمایی سعی کرده تا



اصلاً مگر مردتر از پدران شهیدا و آزادگان دفاع مقدس داریم؟ مردتر از آدم‌هایی که عزیزترین‌های زندگی‌شان را در راه دفاع از اسلام و ایران تقدیم کردند. استاد علی نصیریان در «بوی پیراهن یوسف» نقش یکی از مردان مرد را ایفا می‌کند. پدری که یوسفش را در جبهه گم کرده و حالا با وجود اینکه همه با قطعیت در شهادت یوسف می‌گویند، او اما باور دارد یوسفش هنوز در قید حیات است. ابراهیم حاتم‌کیا در این اثر سینمایی سعی کرده تا

اسدالله‌خان / پدرسالار

اسدالله‌خان برای آنها که در دهه ۷۰ مخاطب تلویزیون ایران بودند، چهره‌ای نام‌آشنا بود؛ پدری سختگیر که سختگیری‌هایش باعث شد مدتی فرزندانش از او دور شوند اما در نهایت این محبت پدرانه او بود که یک بار دیگر جمع خانواده را جمع کرد و کانون محبت آنها را گرم‌تر از قبل کرد. اسدالله‌خان بسا بازی مرحوم استاد محمدعلی کشاورز در سریال «پدرسالار»، پدری بود که بسا بازی از ما ایرانی‌ها پیش از این، حداقل



اسدالله‌خان برای آنها که در دهه ۷۰ مخاطب تلویزیون ایران بودند، چهره‌ای نام‌آشنا بود؛ پدری سختگیر که سختگیری‌هایش باعث شد مدتی فرزندانش از او دور شوند اما در نهایت این محبت پدرانه او بود که یک بار دیگر جمع خانواده را جمع کرد و کانون محبت آنها را گرم‌تر از قبل کرد. اسدالله‌خان بسا بازی مرحوم استاد محمدعلی کشاورز در سریال «پدرسالار»، پدری بود که بسا بازی از ما ایرانی‌ها پیش از این، حداقل

حشمت فردوس / ستایش

«فستاد؟!»، این تکیه کلام معروف «حشمت فردوس» بازاری سن و سال‌خاری بود که قصه کشمکش میان او و اعضای خانواده‌اش تا چند سال ذهن مخاطبان تلویزیون را درگیر کرده بود. هر چند حشمت‌خان گاهی در نقش پیرمردی قلدر و بی‌مشاطی ظاهر می‌شد که برای به کرسی نشاندن حرف خود هر کاری می‌کرد اما در نهایت نشان داد پشت آن چهره سنگی و خشن، قلبی رشت و مهربان قرار دارد که برای تک‌تک اعضای خانواده‌اش می‌تپد. پدربزرگی که برای نوازش حکم



«فستاد؟!»، این تکیه کلام معروف «حشمت فردوس» بازاری سن و سال‌خاری بود که قصه کشمکش میان او و اعضای خانواده‌اش تا چند سال ذهن مخاطبان تلویزیون را درگیر کرده بود. هر چند حشمت‌خان گاهی در نقش پیرمردی قلدر و بی‌مشاطی ظاهر می‌شد که برای به کرسی نشاندن حرف خود هر کاری می‌کرد اما در نهایت نشان داد پشت آن چهره سنگی و خشن، قلبی رشت و مهربان قرار دارد که برای تک‌تک اعضای خانواده‌اش می‌تپد. پدربزرگی که برای نوازش حکم

عبدالرضا اکبری در گفت‌وگو با «وطن امروز»:
پهلوانان هم می‌میرند!
چهره‌های چون عبدالرضا اکبری حتی پیش از «پهلوان نمی‌میرند» با سریال «مزد ترس» در سال ۷۱ در نقش یک پلیس امنیتی، قهرمان داستان بود. اکبری در مزد ترس نقش پلیسی را بازی می‌کرد که به‌رغم جدیت در کار، شخصی مهربان با خصلت‌های معرفتی و جوانمردی بود و به چهره‌های محبوب نزد مخاطبان بدل شد. اکبری که پس از «پهلوان نمی‌میرند» هم به مسیر درخشان خود در سینما و تلویزیون ادامه داده است، در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره این سریال خاطر‌انگیز گفت: روزی چند پیش عکسی از پشت صحنه سریال می‌دیدم که بنده هم در آن حضور داشتم. با دیدن عکس متوجه این واقعیت‌تلخ شدم که اغلب عزیزان هنرمند در این عکس یادگاری از دنیا رفته‌اند. چه بازیگرانی همچون جمشید مشایخی، مصطفی عبداللہی، ولی‌الله مومنی، جهانگیر فروهر، جعفر بزرگی، مرتضی نعمتی‌جو، محمدعلی و روشویی، ناصر گیتی‌چاه و... که دیگر در میان ما نیستند و چه برخی عوامل پشت صحنه «پهلوان نمی‌میرند» که چند سالی است جای‌شان خالی است. اکبری افزود: متأسفانه آن عده‌ای از عوامل سریال «پهلوان نمی‌میرند» هم که هنوز در قید حیات هستند،

عبدالرضا اکبری در گفت‌وگو با «وطن امروز»:
پهلوانان هم می‌میرند!
چهره‌های چون عبدالرضا اکبری حتی پیش از «پهلوان نمی‌میرند» با سریال «مزد ترس» در سال ۷۱ در نقش یک پلیس امنیتی، قهرمان داستان بود. اکبری در مزد ترس نقش پلیسی را بازی می‌کرد که به‌رغم جدیت در کار، شخصی مهربان با خصلت‌های معرفتی و جوانمردی بود و به چهره‌های محبوب نزد مخاطبان بدل شد. اکبری که پس از «پهلوان نمی‌میرند» هم به مسیر درخشان خود در سینما و تلویزیون ادامه داده است، در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره این سریال خاطر‌انگیز گفت: روزی چند پیش عکسی از پشت صحنه سریال می‌دیدم که بنده هم در آن حضور داشتم. با دیدن عکس متوجه این واقعیت‌تلخ شدم که اغلب عزیزان هنرمند در این عکس یادگاری از دنیا رفته‌اند. چه بازیگرانی همچون جمشید مشایخی، مصطفی عبداللہی، ولی‌الله مومنی، جهانگیر فروهر، جعفر بزرگی، مرتضی نعمتی‌جو، محمدعلی و روشویی، ناصر گیتی‌چاه و... که دیگر در میان ما نیستند و چه برخی عوامل پشت صحنه «پهلوان نمی‌میرند» که چند سالی است جای‌شان خالی است. اکبری افزود: متأسفانه آن عده‌ای از عوامل سریال «پهلوان نمی‌میرند» هم که هنوز در قید حیات هستند،

عبدالرضا اکبری در گفت‌وگو با «وطن امروز»:
پهلوانان هم می‌میرند!
چهره‌های چون عبدالرضا اکبری حتی پیش از «پهلوان نمی‌میرند» با سریال «مزد ترس» در سال ۷۱ در نقش یک پلیس امنیتی، قهرمان داستان بود. اکبری در مزد ترس نقش پلیسی را بازی می‌کرد که به‌رغم جدیت در کار، شخصی مهربان با خصلت‌های معرفتی و جوانمردی بود و به چهره‌های محبوب نزد مخاطبان بدل شد. اکبری که پس از «پهلوان نمی‌میرند» هم به مسیر درخشان خود در سینما و تلویزیون ادامه داده است، در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره این سریال خاطر‌انگیز گفت: روزی چند پیش عکسی از پشت صحنه سریال می‌دیدم که بنده هم در آن حضور داشتم. با دیدن عکس متوجه این واقعیت‌تلخ شدم که اغلب عزیزان هنرمند در این عکس یادگاری از دنیا رفته‌اند. چه بازیگرانی همچون جمشید مشایخی، مصطفی عبداللہی، ولی‌الله مومنی، جهانگیر فروهر، جعفر بزرگی، مرتضی نعمتی‌جو، محمدعلی و روشویی، ناصر گیتی‌چاه و... که دیگر در میان ما نیستند و چه برخی عوامل پشت صحنه «پهلوان نمی‌میرند» که چند سالی است جای‌شان خالی است. اکبری افزود: متأسفانه آن عده‌ای از عوامل سریال «پهلوان نمی‌میرند» هم که هنوز در قید حیات هستند،